

- ۱- گزینه ۲. قاضی مجتهد، قانون حاکم بر پرونده را خلاف شرع می‌داند اقدام به صدور قرار امتناع از رسیدگی و ارسال پرونده به شعبه دیگر از طریق رییس حوزه قضایی می‌نماید. به استناد تبصره م ۳ ق. آ. د. م مورد مذکور در این تبصره یکی از موارد صدور قرار امتناع از رسیدگی است.
- ۲- گزینه ۱. اگر سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده باشد (شهرستان دماوند) و ذینفع نیز مقیم ایران باشد (شهرستان سمنان) رسیدگی به دعاوی راجع به سند مزبور در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان سمنان است.
- به استناد م ۲۵ ق. آ. د. م عنایت داشته باشید که در این ماده فرض حضور خواهان در ایران را بیان نکرده است اما در صورت حضور خواهان در ایران رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال به استناد ماده ۴ قانون ثبت احوال (مصوب ۱۳۵۵) و نیز مفهوم مخالف ماده ۲۵ ق. آ. د. م در صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواهان است.
- ۳- گزینه ۴. زن و مردی در قم ازدواج می‌کنند و در حال حاضر مقیم شهرستان بجنورد می‌باشند. زن برای مطالبه مهریه خود که ۱۰۰ عدد سکه طلا می‌باشد به دادگاه خانواده قم یا بجنورد می‌تواند رجوع کند. به استناد ماده ۱۳ ق. آ. د. م دعاوی راجع به اموال منقول ناشی از قراردادهای در صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد نیز می‌باشد. مهریه دعوی منقولی است که راجع به یک قرار داد (نکاح) می‌باشد. بنابر این در صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد (قم) می‌باشد. همچنین ماده ۱۳ صلاحیت عام مذکور در ماده ۱۱ را نفی نمی‌کند. بنابر این دعوی مهریه در صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده (بجنورد) نیز می‌باشد. از آنجا که دعوی مهریه با توجه به قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده) در صلاحیت دادگاه خانواده است گزینه ۴ صحیح است.
- ۴- گزینه ۳. اگر دعوی در دادگاه عمومی تهران در حال رسیدگی باشد و در جریان رسیدگی به موجب قانون، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب کرج قرار گیرد به دلیل تغییر صلاحیت ذاتی رسیدگی در دادگاه انقلاب کرج ادامه پیدا می‌کند. قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی دارای اثر فوری اند اما قواعد مربوط به صلاحیت محلی دارای اثر فوری نیستند.
- ۵- گزینه ۳. هیئت نظارت اداره ثبت نسبت به پرونده‌های خود را صالح نمی‌داند و دادگاه عمومی را صالح می‌داند از رسیدگی خودداری و پرونده را بایگانی می‌کنند. اگر مراجع غیر دادگستری خود را صالح ندانند از رسیدگی خودداری می‌کنند و حق ارسال پرونده به مرجع دیگری را ندارند.
- ۶- گزینه ۲. دعوی تقسیم ترکه متوفی در صلاحیت دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی می‌باشد. به استناد م ۲۰ ق. آ. د. م. تا قبل از تقسیم ترکه، دعوی راجع به ترکه در صلاحیت آخرین اقامتگاه متوفی دانسته است. بنابراین خود دعوی تقسیم ترکه نیز مشمول این ماده است.
- ۷- گزینه ۱. قواعد آیین دادرسی مدنی علی‌الاصول امری اند. قواعد آیین دادرسی مدنی امری اند جز در حیطه صلاحیت نسبی (محلی) بنابراین قواعد صلاحیت ذاتی، سازمان قضاوتی و آیین دادرسی مدنی به معنای اخص همگی امری اند.
- ۸- گزینه ۲. مطالبه اجرت المثل غیر منقول و مطالبه اجرت المسمی آن به ترتیب غیر منقول و منقول می‌باشد. اجرت المسمی مال غیر منقول به استناد م ۲۰ ق. م منقول حکمی است فلذا دعوی راجع به آن نیز منقول اند اما دعوی راجع به اجرت المثل مال غیر منقول، غیر منقول است.
- ۹- گزینه ۲. دعوی الزام به تنظیم سند رسمی یک دستگاه آپارتمان در صلاحیت دادگاه عمومی محل اقامت خوانده است. تنظیم سند از جمله تعهدات است و به استناد م ۲۰ ق. م در حکم منقول است. بنابراین دادگاه اقامتگاه خوانده صالح می‌باشد.
- ۱۰- گزینه ۱. اگر موکل در زندان باشد تصدیق اثر انگشت او با رییس یا معاون زندان است. به استناد م ۳۴ ق. آ. د. م
- ۱۱- گزینه ۳. اگر وکیل بعد از آنکه وقت دادرسی به او ابلاغ گردید استعفا دهد، این استعفا موجب تجدید وقت دادرسی نیست. به استناد م ۴۳ ق. آ. د. م
- ۱۲- گزینه ۳. وکالت دربرابر ایرادات نیاز به تصریح در وکالت نامه ندارد. استرداد سند و دعوی خسارت به استناد بند ۳ و ۸ م ۳۵ ق. آ. د. م نیاز به تصریح در وکالت نامه دارند.
- ۱۳- گزینه ۱. اگر سازمان دولتی از پرداخت مبلغ قرارداد خرید ماشین آلات به شرکت سازنده امتناع نماید شرکت مزبور برای مطالبه مبلغ باید به دادگاه عمومی رجوع کند.
- از آنجا که این موضوع در شمار موضوعات خصوصی است و جنبه عمومی و حاکمیتی ندارند، نیاز به رجوع به دیوان عدالت اداری نمی‌باشد و در صلاحیت دادگاه عمومی است.
- ۱۴- گزینه ۱. در صورت عزل وکیل توسط موکل اگر وکیل از عزل خود مطلع نباشد و تجدید نظر خواهی کند، تجدید نظر خواهی او موثر در حق موکل است.

- به استناد م ۳۸ ق.آ.د.م تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات وی در حدود وکالت موثر در حق موکل خواهد بود.
- ۱۵- گزینه ۳. تخلفات انتظامی قضات از درجه ۴ به بالا قابل تجدید نظر در هیئت تجدید نظر انتظامی قضات می باشد.
- آرای دادگاه عالی انتظامی قضات از درجه ۴ به بالا قابل تجدید نظر و از درجه ۳ به بالا قابل اعاده ی دادرسی است.
- ۱۶- گزینه ۴. دادگاه عمومی شهرستان نیشابور به صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان مشهد قرار عدم صلاحیت صادر می کند و دادگاه عمومی شهرستان مشهد نیز به صلاحیت دادگاه انقلاب مشهد قرار عدم صلاحیت صادر می کند. در این صورت اختلاف در صلاحیت محقق نشده است. در صورتی اختلاف در صلاحیت حاصل می شد که دادگاه عمومی مشهد به صلاحیت دادگاه عمومی نیشابور از خود نفی صلاحیت کند. یعنی عدم صلاحیت دادگاه عمومی نیشابور را نپذیرد.
- ۱۷- گزینه ۲. تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص رئیس قوه قضائیه تعیین می گردد. به استناد ماده ۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی آن.
- ۱۸- گزینه ۲. وکیلی که حق اقدام در مرحله فرجام را دارد پس از صدور رای استعفا و از رویت رای امتناع می نماید. در این صورت دادگاه رای را به موکل ابلاغ و ابتدای مهلت فرجام را از تاریخ ابلاغ به وکیل محسوب می نماید. به استناد م ۴۵ ق.آ.د.م
- ۱۹- گزینه ۲. ابتلا به مرض مانع حرکت اگر متوجه یکی از وکلای اصحاب دعوی باشد از موجبات تجدید جلسه دادرسی است
- به استناد م ۴۱ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که جهات مذکور در م ۴۱ ق.آ.د.م اگر ناظر به طرفین دعوی و نمایندگان حقوقی ایشان باشد از موجبات تجدید جلسه دادرسی نیست. این جهات اگر ناظر به وکیل باشند از موجبات تجدید جلسه دادرسی است حتی اگر وکیل مزبور حق توکیل داشته باشد.
- ۲۰- گزینه ۳. اگر دادنامه هم به وکیل و هم به موکل ابلاغ گردد ابتدای مهلت تجدید نظر خواهی در صورتی که وکیل حق تجدید نظر داشته باشد تاریخ ابلاغ به وکیل است. به استناد تبصری م ۴۷ ق.آ.د.م
- ۲۱- در صورت عدم تنظیم دادخواست روی برگه های چاپی مخصوص اخطار استحضاری جهت رفع نقص توسط مدیر دفتر به دادخواست دهنده داده می شود. تنظیم دادخواست روی برگه های چاپی مخصوص که در صدر ماده ۵۱ ق.آ.د.م تاکید شده است دارای ضمانت اجرایی در قانون نیست. بنابراین چنین دادخواستی نباید قبول شود و در صورت قبول نیز به جریان نمی افتد و مدیر دفتر اخطار استحضاری جهت رفع نقص می دهد بنابراین گزینه ۴ صحیح است.
- ۲۲- اگر مدیر دفتر اقدام به صدور قرار رد دادخواست نماید این قرار ظرف ۱۰ روز از ابلاغ قابل اعتراض و نتیجه اعتراض قطعی است.
- گزینه ۴ به استناد ماده ۵۴ ق.آ.د.م صحیح است.
- ۲۳- وکیل دادگستری به وکالت نامه خود به میزان قانونی تمبر مالیاتی الصاق نموده است اما روی وکالت نامه او گواهی مبنی بر پرداخت معادل نصف مالیات پرداختی، به صندوق حمایت وکلا و کارگشایان درج نشده است (موضوع ماده ۱۵ آیین نامه تعرفه حق الوکاله) در این صورت اخطار رفع نقص صادر نمی شود، بلکه پرونده کامل است و به جریان می افتد بنابراین گزینه ۲ صحیح است- از طرفی به استناد بند ۱ ماده ۵۳ ق.آ.د.م عدم الصاق تمبر قانونی بر برگه های دادخواست و ضمانت آن موجب صدور اخطار رفع نقص می گردد. در فرض سؤال تمبر قانونی پرداخت شده است اما وکیل به تکلیف خود در قبال صندوق حمایت وکلا و کارگشایان عمل نکرده است. این امر تخلف انتظامی و قابل تعقیب است اما نقص دادخواست تلقی نمی گردد.
- ۲۴- گزینه ۴ به استناد ماده ۶۰ ق.آ.د.م. صحیح است. دادخواست و منضمات آن به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه است، نه به تعداد اصحاب دعوی به علاوه یک نسخه، چرا که عبارت اصحاب دعوی خواهان را نیز در بر می گیرد.
- ۲۵- اگر در دعوای مطالبه اجور معوقه، خواسته ۱۰۰ میلیون تومان درج شده باشد اعتراض به بهای خواسته ممکن نیست.
- گزینه ۳ به استناد بند ۴م ۶۲ ق.آ.د.م صحیح است. اعتراض به بهای خواسته موقعی مصداق دارد که خواسته مالی باشد که تقویم شده است. اگر خواسته، وجه رایج باشد، اعتراض به بهای خواسته امکان پذیر نیست.
- ۲۶- در صورت تهیه تصویر یک سند در خارج از کشور گواهی نمودن مطابقت آن با اصل باید در یکی از سفارتخانه های کنسولگری مربوطه انجام شود. بنابراین گزینه ۲ به استناد م ۵۷ ق.آ.د.م صحیح است.
- ۲۷- در صورت امتناع خوانده از دریافت اوراق قضایی در محلی غیر از آدرس اعلامی کلیه اوراق باید در آدرس به او ابلاغ گردد.
- گزینه ۴ صحیح است با استناد به م ۶۸ ق.آ.د.م امتناع خوانده از گرفتن اوراق در آدرس تعیین شده، ساقط کننده مسئولیت مامور ابلاغ است. اما خوانده حق دارد اوراق را در آدرس غیر از آدرس تعیین شده نپذیرد.

- ۲۸- اگر زن بدون اجازه شوهر و به طور غیرقانونی منزل شوهر را ترک نموده باشد و در مکان دیگری سکونت داشته باشد، ابلاغ اوراق قضایی به او باید در محل سکونت یا محل کار او به عمل آید. بنابراین گزینه ۳ به استناد تبصره ۲ م ۶۸ ق.آ.د.م صحیح است.
- ۲۹- اگر اوراق قضایی در آدرسی غیر از آدرس تعیین شده به بستگان مخاطب ابلاغ گردد این ابلاغ، باطل است. بنابراین گزینه ۳ به استناد م ۶۹ ق.آ.د.م صحیح است زیرا ابلاغ به بستگان مخاطب فقط در آدرس اعلامی پذیرفته شده است.
- ۳۰- اگر بستگان مخاطب از قبول اوراق در آدرس تعیینی استنکاف ورزند برگ اخطاریه در محل الصاق و سایر اوراق اعاده می گردد و ابلاغ صورت گرفته، ابلاغ قانونی است. بنابراین گزینه ۳ به استناد م ۷۰ ق.آ.د.م صحیح است.
- ۳۱- در دعای راجع به شهرداری تهران، اوراق اخطاریه باید به رئیس دفتر شهرداری تهران ابلاغ گردد. بنابراین گزینه ۱ به استناد م ۷۵ ق.آ.د.م که نحوه ابلاغ در خصوص اشخاص حقوقی عمومی را بیان می کند صحیح است.
- ۳۲- اگر شرکت خصوصی در آدرس تعیین شده در دادخواست که مطابق آخرین آدرس اعلامی به اداره ثبت شرکت هاست، شناخته نشود ابلاغ صورت گرفته، ابلاغ صحیح و قانونی تلقی می گردد. بنابراین گزینه ۲ صحیح است.
- طبق تبصره ۱ م ۷۶ ق.آ.د.م ابلاغ اوراق به آخرین آدرس اعلام شده به اداره ثبت شرکت ها در خصوص شرکت های خصوصی، ابلاغ صحیح تلقی می گردد. از آنجا که اوراق به شخص مخاطب نرسیده، ابلاغ قانونی است.
- ۳۳- در دعای علیه یک شرکت منحل شده که دارای مدیر تصفیه نمی باشد، ابلاغ اوراق باید به آخرین مدیر عامل به عمل آید. بنابراین گزینه ۲ به استناد تبصره ۳ ماده ۷۶ ق.آ.د.م صحیح است.
- ۳۴- در دعوی علیه صد نفر از ساکنین یک شرکت مسکونی به خواسته خلع ید از یک باب آپارتمان به دلیل غصبی بودن زمین آن دادخواست و ضامنه به آدرس اعلامی خواندگان ابلاغ می گردد. بنابراین گزینه ۳ به استناد م ۷۴ ق.آ.د.م صحیح است. در فرض سؤال تعداد خواندگان زیاد هستند اما محصور است. بنابراین دادخواست و ضامنه به طور عادی به آدرس ایشان ابلاغ می گردد. طبق م ۷۴ ق.آ.د.م گزینه ۲ در مورد خواندگان غیرمحصور صحیح است.
- ۳۵- ابلاغ اوراق در محل کار از طریق رئیس کارمند به عمل می آید. بنابراین گزینه ۱ به استناد تبصره ۱ م ۶۸ ق.آ.د.م صحیح است.
- ۳۶- آثار دادخواست از تاریخ تقدیم دادخواست به دفتر کل جاری می گردد. گزینه ۱ با استناد به م ۴۹ ق.آ.د.م که بیان می دارد تاریخ رسید دادخواست به دفتر تاریخ اقامه دعوا محسوب می شود. صحیح است.
- ۳۷- تقدیم دادخواست شفاهی در حقوق ایران پذیرفته نیست. بنابراین گزینه ۱ صحیح است زیرا با استناد م ۵۱ ق.آ.د.م دادخواست فقط می تواند کتبی باشد.
- ۳۸- در صورت ابلاغ دادخواست و ضامنه آن به خواننده از طریق نشر آگهی، فاصله بین ابلاغ تا جلسه باید حداقل ۳۰ روز باشد. بنابراین گزینه ۴ با استناد م ۷۳ ق.آ.د.م صحیح است.
- ۳۹- اگر ابلاغ تعیین وقت به خواننده از طریق ابلاغ اوراق به بستگان مخاطب شده باشد، فاصله بین ابلاغ تا جلسه دادرسی باید حداقل ۵ روز باشد. گزینه ۱ با استناد م ۶۴ ق.آ.د.م صحیح است زیرا فاصله بین ابلاغ به خواننده تا وقت رسیدگی باید حداقل ۵ روز باشد جز در جایی که ابلاغ از طریق نشر آگهی به عمل آمده است.
- ۴۰- در دعای راجع به منافع و حقوقی که باید مادام العمر تادیه شود بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع اقساط ده ساله. بنابراین گزینه ۲ با استناد بند ۳ م ۶۲ ق.آ.د.م صحیح است.
- ۴۱- گزینه ۴ صحیح است، زمان طرح ایرادات از سوی خواننده تا پایان جلسه اول دادرسی است که می تواند قبل از ورود در ماهیت یا ضمن پاسخ به ماهیت باشد. به استناد ماده ۸۴ و ۸۷ ق.آ.د.م.
- ۴۲- گزینه ۳ صحیح است، اعتبار امر مختومه ناظر به احکام صادره از مراجع دادگستری است.
- اعتبار امر مختومه فقط ویژه احکام و قرار سقوط دعوی است که از مراجع دادگستری صادر شده باشد و فقط ناظر به منطوق رأی می باشد.
- ۴۳- گزینه ۳ صحیح است، عدم اهلیت خواننده دعوی مانع رسیدگی به پرونده نیست. به استناد ماده ۸۶ ق.آ.د.م عدم اهلیت خواننده مانع رسیدگی نیست. توجه داشته باشید که وکیل تسخیری فقط در برخی امور کیفری راه دارد.
- ۴۴- گزینه ۲ صحیح است، در صورت وارد بودن ایراد رد دادرسی قرار امتناع از رسیدگی که از قرارهای شبه قاطع است صادر می گردد. به استناد ماده ۹۲ ق.آ.د.م قرار امتناع از رسیدگی از جمله قرارهای شبه قاطع است. قرار شبه قاطع قرار است که رسیدگی به پرونده را در شعبه ای خاتمه می دهد اما رسیدگی به آن پرونده در شعبه دیگری ادامه می یابد. مصادیق این قرارها عبارتند از:
- ۱- قرار امتناع از رسیدگی ۲- قرار عدم صلاحیت

- ۴۵- گزینه ۱ صحیح است، فرستادن اصول مستندات در دادگاه و ارائه در جلسه دادرسی. به استناد ماده ۹۶ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که در حال حاضر بنابر ماده ۲۳ قانون دیوان عدالت اداری، وکالت در دیوان عدالت اداری تابع وکالت در مراجع قضایی و نیازمند پروانه وکالت است.
- ۴۶- گزینه ۲ صحیح است، صرف نظر کردن کلی خواهان از دعوی در هر صورت موجب صدور قرار سقوط دعوی می گردد.
- به استناد بند ج ماده ۱۰۷. توجه داشته باشید استرداد دعوی موجب صدور قرار رد دعوی می گردد و صرف نظر کردن کلی از آن موجب صدور قرار سقوط دعوی.
- ۴۷- گزینه ۳ صحیح است، در صورت حبس قانونی یکی از اصحاب دعوی دادگاه مهلت جهت تعیین وکیل می دهد. با استناد ماده ۱۰۶ ق.آ.د.م.
- ۴۸- گزینه ۱ صحیح است، اگر شهود موجب اخلال در نظم دادرسی گردند دادگاه می تواند حکم حبس آنها را تا ۲۴ ساعت صادر کند.
- به استناد ماده ۱۰۱ ق.آ.د.م.
- ۴۹- گزینه ۱ صحیح است، تاخیر جلسه رسیدگی منوط است به رضایت اصحاب دعوی و اراده دادگاه. به استناد ماده ۹۹ ق.آ.د.م.
- ۵۰- گزینه ۴ صحیح است، قرار تامین خواسته قابل تجدید نظر نیست. به استناد ماده ۱۱۹. فقط قبول قرار تامین خواسته به استناد ماده ۱۱۶ ق.آ.د.م قابل اعتراض است.
- ۵۱- گزینه ۱ صحیح است، موضوع قرار تامین خواسته با موضوع اصل دعوی یکی است. در قرار تامین خواسته، همان موضوع دعوی اصلی یا معادل آن مورد تامین قرار می گیرد، برخلاف دستور موقت که از امور فرعی و تبعی است.
- ۵۲- گزینه ۲ صحیح است، اگر درخواست صدور قرار تامین خواسته قبل از تقدیم دادخواست در خصوص اصل ادعا مطرح شده باشد خواهان ۱۰ روز از تاریخ صدور قرار تأمین خواسته مهلت اقامه دعوی اصلی را دارد. به استناد ماده ۱۱۲ ق.آ.د.م.
- ۵۳- گزینه ۳ صحیح است، اگر خواسته دعوایی الزام به انجام تعهدات قراردادی ناشی از معامله پیمانکاری دولتی باشد، صدور قرار تامین خواسته در خصوص آن منتفی است. به استناد ماده ۱۱۳ و ۱۲۱ ق.آ.د.م درخواست تامین خواسته فقط نسبت به اموال امکانپذیر است. یا به عبارت دیگر این قرار فقط در دعاوی با موضوع یک مال کاربرد دارد.
- ۵۴- گزینه ۴ صحیح است، متقاضی قرار تامین خواسته به نفع او صادر شده است از اجرای آن خودداری می کند. او پس از مدتی در دعوی اصلی نیز محکوم به بی حقی می گردد در این حالت به خوانده خسارتی تعلق نمی گیرد. به استناد ماده ۱۲۰ ق.آ.د.م خسارات خوانده ناشی از اجراء قرار تامین خواسته می تواند باشد که در این سؤال بیان شده است که قرار مزبور اجراء نشده است.
- ۵۵- گزینه ۴ صحیح است، برای صدور قرار تامین خواسته طرفین دعوت نمی شوند.
- در قرار تامین خواسته، هیچ یک از طرفین برای رسیدگی دعوت نمی شوند.
- ۵۶- گزینه ۴ صحیح است، اگر خواهان دعوایی مطالبه قرار تامین و سپس محکوم به بی حقی گردد خوانده خسارت ناشی از اجرای قرار تامین خواسته را که به او وارد شده است مطالبه نماید، مرجع رسیدگی به این درخواست همان دادگاه صادرکننده حکم راجع به اصل دعوی است که رای آن قطعی است. به استناد ماده ۱۲۰ ق.آ.د.م.
- ۵۷- گزینه ۲ صحیح است، ایراد دعوی واهی در دعوای متقابل نیز راه دارد. به استناد ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م ایراد دعوای واهی در کلیه دعاوی طاری نیز راه دارد. از سوی دیگر به استناد همین ماده این ایراد در درخواست های مربوط به امور حسبی نیز راه دارد.
- ۵۸- گزینه ۴ صحیح است، به استناد ماده ۱۱۴ ق.آ.د.م که بیان می دارد: ((نسبت به طلب یا مال معین که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده است در صورتیکه حق مستند به سند رسمی و در معرض تضییع یا تفریط باشد می توان درخواست تامین نمود.)) توجه داشته باشید که چنین تأمینی بدون تودیع خسارت احتمالی است.
- ۵۹- گزینه ۳ صحیح است، خواسته دعوایی مطالبه دویست میلیون ریال وجه یک فقره چک می باشد. در صورتی که خواهان بخواهد وجه یک فقره چک دیگر از همان خوانده به مبلغ صد میلیون ریال را نیز مطالبه نماید باید دادخواست جدید بدهد.
- به استناد ماده ۹۸ ق.آ.د.م. در فرض مذکور در این سؤال افزایش خواسته امکانپذیر نیست چرا که دو ادعا دارای منشاء واحد نیستند بلکه ناشی از دو فقره چک مجزا می باشند.
- ۶۰- گزینه ۲ صحیح است، کاهش خواسته در تمام مراحل دادرسی تا مقطع ختم رسیدگی مجاز است. به استناد ماده ۹۸ ق.آ.د.م.
- ۶۱- گزینه ۴ صحیح است. خواهان ورود ثالث باید دادخواست ورود ثالث را به تعداد اصحاب دعوی اصلی به علاوه یک نسخه تنظیم نماید. به استناد م ۱۳۱ ق.آ.د.م.

- ۶۲- گزینه ۴ صحیح است. مهلت ورود ثالث تا ختم دادرسی در مراحل بدوی، تجدیدنظر و واخواهی است. به استناد م ۱۳۰ ق.آ.د.م ورود ثالث در مراحل دادرسی بدوی، تجدیدنظر و واخواهی امکان پذیر است.
- ۶۳- گزینه ۳ صحیح است. اگر ورود ثالث تبعی به منظور تبانی و تاخیر در رسیدگی طرح گردد دادگاه نسبت به دعوی ورود ثالث قرار رد دعوی صادر می کند. م ۱۳۳ ق.آ.د.م که مقرر می دارد دادگاه دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می کند، فقط نسبت به دعوی ورود ثالث اصلی می تواند مصداق داشته باشد. ورود ثالث تبعی اگر به منظور تأخیر در رسیدگی طرح گردد از آنجا که قابلیت رسیدگی به طور جداگانه را ندارد، باید نسبت به آن قرار رد دعوی صادر گردد.
- ۶۴- گزینه ۱ صحیح است. جلب ثالث در مرحله واخواهی اگر از ناحیه واخواه باشد باید همراه با تقدیم دادخواست واخواهی به عمل آید. به استناد م ۱۳۶ ق.آ.د.م واخوانده اگر بخواهد جلب ثالث بنماید می تواند تا پایان جلسه اول جهات و دلایل را بیان نماید و ظرف سه روز دادخواست تقدیم کند.
- ۶۵- گزینه ۴ صحیح است. طرح دعوی متقابل در مرحله بدوی تا پایان جلسه اول امکان پذیر است. دعوی متقابل در مرحله بدوی و تا پایان جلسه اول مسموع است، م ۱۴۳ ق.آ.د.م نیز به همین امر اشعار دارد. بنابر این طرح دعوای متقابل در مراحل واخواهی و تجدیدنظر مسموع نیست.
- ۶۶- گزینه ۱ صحیح است. مجلوب ثالث می تواند دعوی متقابل طرح نماید. به استناد م ۱۳۹ ق.آ.د.م مجلوب ثالث از تمام حقوق خوانده برخوردار است. یکی از حقوق خوانده طرح دعوی متقابل است.
- ۶۷- گزینه ۴ صحیح است.
- جلب ثالث در مرحله تجدید نظر ممکن است ولو آنکه جهات جلب در مرحله بدوی ممکن باشد و شخص اقدام به جلب ثالث ننماید.
- ۶۸- گزینه ۲ صحیح است. دعوی متقابل در بقاء و زوال مستقل از دعوی اصلی است. دعوی متقابل در بقاء یا زوال از دعوی اصلی مستقل است. یعنی اگر دعوی اصلی باقی بماند و دعوی متقابل مستحق رد باشد، زائل می شود و اگر دعوی اصلی رد گردد و دعوی متقابل قابل رسیدگی باشد، رسیدگی به آن ادامه می یابد.
- ۶۹- گزینه ۳ صحیح است. اگر در دعوای اتباع بیگانه، تبعه بیگانه از دادن تأمین در مهلت مقرر امتناع نماید قرار رد دادخواست صادر می گردد. به استناد م ۱۴۷ ق.آ.د.م
- ۷۰- گزینه ۲ صحیح است. در دعوی استرداد سند مالکیت اتباع بیگانه از سپردن تأمین معاف نیستند. به استناد بند ۱ م ۱۴۵ دعوی مطالبه مبلغ یک فقره سفته از ضامن نیاز به سپردن تأمین ندارد. به استناد بند ۳ ماده مزبور و بند ۵ همان ماده دعوی متقابل و دعوی علیه ورشکسته نیز نیاز به سپردن تأمین ندارد. اما دعوی استرداد سند مالکیت نیاز به سپردن تأمین دارد. توجه داشته باشید که دعوی استرداد سند مالکیت ولو آنکه این مالکیت رسمی باشد، با دعوی مستند به سند رسمی تفاوت دارد.
- ۷۱- گزینه ۲ صحیح است. تصمیم گیری در خصوص درخواست تأمین دلیل بدون احضار خوانده انجام می گیرد. اجرا و قرار تأمین دلیل با احضار خوانده انجام می گیرد. به استناد م ۱۵۲ ق.آ.د.م. منظور از این ماده احضار طرف مقابل برای اجراء قرار است نه برای تصمیم گیری در خصوص آن.
- ۷۲- گزینه ۲ صحیح است. تأمین دلیل می تواند کتباً یا شفاهاً به عمل آید.
- به استناد ماده ۱۵۱ ق.آ.د.م. گزینه ۳ به استناد م ۱۵۳ ق.آ.د.م غلط است چرا که این قرار قابل ارجاع به کارمندان دفتری نیست و فقط ممکن است به مدیر دفتر ارجاع گردد نه سایر کارمندان. گزینه ۱ نیز غلط است چرا که تأمین خواسته، ماهیتاً درخواست است، نه دعوی.
- ۷۳- گزینه ۴ صحیح است. اگر شخصی راجع به تصرف عدوانی اقامه دعوی نماید می تواند نسبت به مالکیت اقامه دعوی کند. به استناد م ۱۶۳ ق.آ.د.م اگر کسی نسبت به مالکیت اقامه دعوی کند نمی تواند نسبت به تصرف عدوانی اقامه دعوی کند، اما بالعکس آن با منع قانونی مواجه نیست.
- ۷۴- گزینه ۳ صحیح است. رسیدگی به دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت تابع تشریفات آیین دادرسی نبوده و خارج از نوبت به عمل می آید. به استناد م ۱۷۷ ق.آ.د.م
- ۷۵- گزینه ۲ صحیح است. اگر در ملک مورد تصرف عدوانی، متصرف عدوانی احداث بنا نماید بنای مزبور تا یک ماه از تاریخ اجرای حکم برای طرح دادخواست مالکیت از جانب متصرف عدوانی باقی می ماند. به استناد م ۱۶۴ ق.آ.د.م

- ۷۶- گزینه ۱ صحیح است. مستأجر می تواند هم اصالتاً و هم به قائم مقامی مالک دعوی تصرف عدوانی نماید.
- به استناد م ۱۷۰ ق.آ.د.م مستأجر می تواند به قائم مقامی مالک دعوی تصرف عدوانی طرح بنماید. اما مستأجر از آنرو که خود، متصرف مال می باشد می تواند اصالتاً نیز، به طرح دعوی تصرف عدوانی مبادرت ورزد.
- ۷۷- گزینه ۱ صحیح است. دعوی مزاحمت نسبت به تصرفات متصرف یک ملک غیرمالی و غیرمنقول است.
- این دعوی از آنرو که ناظر به یک مال غیرمنقول است، غیرمنقول است. همچنین دعاوی سه گانه تصرف (تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت) غیرمالی اعتباری اند.
- ۷۸- گزینه ۱ صحیح است. دستور موقت صادره در دعاوی تصرف عدوانی با صدور رأی بدوی به رد دعوی مرفوع می گردد. به استناد م ۱۷۴ ق.آ.د.م
- ۷۹- گزینه ۲ صحیح است. مرجع ابلاغ اظهارنامه ادارات ثبت اسناد یا دفاتر دادگاهها است. به استناد م ۱۶۵ ق.آ.د.م
- ۸۰- گزینه ۳ صحیح است. اجراء آراء صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی مستلزم قطعیت و صدور ابلاغ اجرائیه نیست.
- به استناد م ۱۷۵ ق.آ.د.م چنین آرائی بلافاصله و به دستور مرجع صادرکننده توسط اجراء دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهد شد.
- ۸۱- گزینه ۴ صحیح است. سازش در مرحله فرجام مطلقاً ممکن است و پرونده به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته اعاده می گردد.
- در مرحله فرجام هم سازش ممکن است اما از آنجا که دیوان عالی رسیدگی ماهوی نمی کند پرونده را برای صدور گزارش اصلاحی به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته بر می گرداند.
- ۸۲- گزینه ۲ صحیح است. سازش خارج از دادگاه در صورتی معتبر است که در قالب سند رسمی باشد یا طرفین با حضور در دادگاه به صحت آن اقرار نمایند. به استناد م ۱۸۱ و ۱۸۳ ق.آ.د.م
- ۸۳- گزینه ۲ صحیح است. آیا گزارش اصلاحی از اعتبار امر مختومه برخوردار است؟ مطلقاً خیر
- از آنجا که گزارش اصلاحی رأی محسوب نمی گردد. از اعتبار امر مختومه نیز برخوردار نیست.
- ۸۴- گزینه ۳ صحیح است. درخواست صلح و سازش باید کتباً باید کتباً به عمل آید اما می تواند از هر یک از دادگاههای بدوی باشد.
- به استناد م ۱۸۶ ق.آ.د.م این درخواست باید کتبی باشد. اما از آنجا که این درخواست، دعوی محسوب نمی گردد، در صلاحیت هر یک از دادگاههای عمومی بدوی می باشد.
- ۸۵- گزینه ۳ صحیح است. گزارش اصلاحی قابل فسخ یا اعلام بطلان است. گزارش اصلاحی رأی نیست بنابراین قابل واخواهی، تجدیدنظر و فرجام نیست. ولی از آن جهت که نوعی عقد صلح است قابل فسخ یا بطلان است.
- ۸۶- گزینه ۱ صحیح است. دلائلی که برای اثبات معاملات به کار می رود، تابع قوانین زمان انعقاد عقد است مگر در موارد استثنایی.
- به استناد م ۱۹۵ ق.آ.د.م
- ۸۷- گزینه ۴ صحیح است. اقرار خارج از محکمه با هر دلیلی قابل اثبات است. اقرار خارج از دادگاه با هر دلیلی برای دادگاه قابل اثبات است اما در این صورت ارزش چنین اقراری به اندازه ارزش همان روشی است که با آن روش برای دادگاه اثبات شده است. بنابراین اگر این اقرار با شهادت شهود اثبات گردد، ارزش اثباتی آن به اندازه ارزش شهادت شهود تنزل می یابد.
- ۸۸- گزینه ۲ صحیح است. اقرار وکیل علیه موکل نسبت به مقدمات دعوی پذیرفته است.
- به استناد م ۲۰۵ ق.آ.د.م اقرار وکیل علیه موکل نسبت به امور قاطع دعوی پذیرفته نیست بنابراین این نسبت به مقدمات دعوی پذیرفته است.
- ۸۹- گزینه ۴ صحیح است. اقرار ورشکسته بر ضرر دیان نافذ نیست. به استناد م ۱۲۶۴ ق.م اقرار ورشکسته نسبت به رابطه مقر و مقرله صحیح است اما به ضرر دیان قابل استناد نیست.
- ۹۰- گزینه ۱ صحیح است. آیا در مقرر و مقرله، اهلیت لازم است؟ مقر باید اهلیت استیفاء و مقرله اهلیت تمتع داشته باشد.
- به استناد م ۱۲۶۲ و ۱۲۶۳ ق.م در مقر، اهلیت استیفاء نسبت به موضوع اقرار شرط است. بنابراین م ۱۲۶۶ ق.م که بیان می دارد در مقرله اهلیت شرط نیست. منظور آن است که اهلیت استیفاء شرط نیست چرا که در ادامه ماده بیان می دارد ((لکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه که به نفع او اقرار شده است، بشود.)) می فهمیم که اهلیت تمتع در مقرله شرط است.
- ۹۱- گزینه ۴ صحیح است. انکار بعد از اقرار مسموع نیست. به استناد م ۱۲۷۷ ق.م
- ۹۲- گزینه ۳ صحیح است. شهادت نامه سند محسوب نمی گردد و فقط اشعار بر شهادت دارد. به استناد م ۱۲۸۵ ق.م

- ۹۳- گزینه ۳ صحیح است. سر دفتر اسناد رسمی سندی را در حدود صلاحیت خود تنظیم می نماید اما در تنظیم آن مقررات و تشریفات قانونی را رعایت نمی کند این سند، به شرط داشتن امضاء یا مهر طرف، سند عادی است.
- از آنجا که در تنظیم این سند مقررات قانونی رعایت نشده است بنابراین این مشمول ماده ۱۲۸۷ ق.م نیست و سند رسمی تلقی نمی گردد اما در صورت داشتن امضاء یا مهر طرف منسب الیه، سند عادی است.
- ۹۴- گزینه ۳ صحیح است. اگر مقررات راجعه به حق تمیز در اسناد رسمی رعایت نگردد این سند یک سند رسمی تلقی می گردد و تاریخ آن در برابر ثالث قابل استناد است. به استناد م ۱۲۹۴ ق.م و م ۱۳۰۵ ق.م
- ۹۵- گزینه ۳ صحیح است. شورای اسلامی شهر موظف نیست که به دستور دادگاه رونوشت اسناد و مدارک را حسب دستور دادگاه برای دعاوی در حال رسیدگی به دادگاه بفرستند. به استناد م ۲۱۲ ق.آ.د.م ماده مزبور شورای اسلامی شهر یا روستا را در بر نمی گیرد.
- ۹۶- گزینه ۴ صحیح است. خارج نویسی نمودن دفاتر تجاری اصحاب دعوی توسط شخصی که دادگاه مامور می نماید به عمل می آید. به استناد م ۲۱۰ ق.آ.د.م
- ۹۷- گزینه ۲ صحیح است. جعل مفادی سند فقط نسبت به اسناد رسمی راه دارد.
- جعل مفادی یعنی تزویر مأمورین رسمی در تحریر نوشته های رسمی بنا بر این فقط در اسناد رسمی راه دارد.
- ۹۸- گزینه ۲ صحیح است. اگر امضاء یک سند عادی در یک دعوی مورد انکار واقع گردد ولی اصالت سند اثبات گردد. آیا این سند در دعاوی آتی می تواند اساس تطبیق قرار گیرد؟ امضاء آن نمی تواند، اما مفاد آن می تواند.
- به استناد م ۲۲۳ ق.آ.د.م. امضاء این سند نمی تواند اساس تطبیق قرار گیرد اما مفاد آن می تواند اساس تطبیق باشد.
- ۹۹- گزینه ۲ صحیح است. در صورت استناد خواهان به یک پرونده حقوقی دادگاه تصویر پرونده و عنداللزوم اصل آن را مطالبه می کند. به استناد م ۲۱۵ ق.آ.د.م
- ۱۰۰- گزینه ۳ صحیح است. اگر مدعی جعلیت سند، در دعوی حقوقی، شخصی را به جعل سند متهم کند دادگاه به ادعای جعل و اتهام جاعل رسیدگی می کند. به استناد م ۲۲۷ ق.آ.د.م
- ۱۰۱- گزینه ۴ صحیح است. هر یک از طرفین دعوی می تواند برای جرح شهود طرف مقابل مهلتی حداکثر ۷ روزه مطالبه کند. به استناد تبصره م ۲۳۴ ق.آ.د.م این تبصره هر دو طرف دعوی را شامل می شود.
- ۱۰۲- گزینه ۳ صحیح است. اثبات اصل نکاح با استفاده از شهادت شهود با شهادت یک مرد و ۲ زن نیز امکان پذیر است. به استناد بند د م ۲۳۰ ق.آ.د.م اثبات اصل نکاح با استفاده از شهادت شهود، نه صد در صد مانند دعاوی مالی است و نه صد در صد مانند دعاوی غیرمالی. اصل نکاح با شهادت دو شاهد مرد یا یک شاهد مرد به همراه دو شاهد زن قابل اثبات است.
- ۱۰۳- گزینه ۴ صحیح است. در امور حقوقی بعد از دو بار احضار گواه، اقدام دیگری در خصوص گواه صورت نمی گیرد. به استناد م ۲۴۳ ق.آ.د.م اگر گواه برای بار دوم احضار گردد اما حاضر نشود جلب نخواهد شد.
- ۱۰۴- گزینه ۳ صحیح است. در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه ممکن است گواهی گواه در منزل یا محل کار او توسط یکی از قضات دادگاه استماع گردد. به استناد م ۲۴۴ ق.آ.د.م. استماع شهادت شهود توسط مدیر دفتر امکان پذیر نیست و فقط باید توسط یکی از قضات دادگاه انجام شود.
- ۱۰۵- گزینه ۴ صحیح است. رجوع از شهادت موجب بی اثر شدن شهادت می گردد. به استناد م ۱۳۱۹ ق.م.
- ۱۰۶- گزینه ۴ صحیح است. شهادت اطفال زیر ۱۵ سال ممکن است برای مزید اطلاع استماع گردد. به استناد م ۱۳۱۴ ق.م
- ۱۰۷- گزینه ۴ صحیح است. پرداخت هزینه اجرای قرار کارشناسی که دادگاه بدوی در مقام رسیدگی به واخواهی، رأساً صادر نموده است، حسب مورد ممکن است برعهده واخواه یا واخوانده باشد. اگر قرار کارشناسی صادره در مرحله واخواهی که توسط قاضی دادگاه رأساً صادر شده است، برای بررسی ادعاها و دفاعیات واخواه لازم باشد، هزینه آن با واخواه است و اگر برای بررسی جوانب ادعاهای خواهان بدوی و پرونده بدوی لازم باشد، هزینه آن با خواهان بدوی (واخوانده) است.
- ۱۰۸- گزینه ۲ صحیح است. اگر دادگاه بدوی، رأساً قرار تحقیق محلی صادر نماید اما خواهان از تهیه وسیله اجراء قرار امتناع نماید قرار ابطال دادخواست صادر می گردد. به استناد م ۲۵۶ ق.آ.د.م

- ۱۰۹- گزینه ۴ صحیح است. اجراء قرار معاینه محل در امور حقوقی توسط مدیر دفتر قابل اجراء نیست. به استناد م ۲۵۰ ق.آ.د.م. در امور حقوقی قرار معاینه محل توسط ضابط قضایی و مدیر دفتر قابل اجراء نیست.
- ۱۱۰- گزینه ۱ صحیح است. در قرار کارشناسی فقط وصول نظریه کارشناس به طرفین ابلاغ می گردد. به استناد م ۲۶۰ ق.آ.د.م. وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می گردد. توجه داشته باشید که بنابر م ۲۵۹ ق.آ.د.م. اخطار تودیع دستمزد کارشناس به طرفین ابلاغ نمی گردد، بلکه فقط به متقاضی کارشناسی ابلاغ می گردد.
- ۱۱۱- گزینه ۲ صحیح است. اعتراض به نظر کارشناس باید کتبی باشد. به استناد م ۲۶۰ ق.آ.د.م. هرگونه مطلبی نسبت به نظر کارشناس چه نفیاً و چه اثباتاً باید به طور کتبی بیان گردد.
- ۱۱۲- گزینه ۲ صحیح است. مهلت پرداخت دستمزد کارشناس هفت روز است. به استناد م ۲۵۹ ق.آ.د.م. این مهلت یک مهلت قضایی نیست تا دادگاه آن را تعیین نماید بلکه یک مهلت قانونی بوده و میزان آن هفت روز می باشد.
- ۱۱۳- گزینه ۳ صحیح است. قاضی می تواند برای یافتن عرف خاص و فنی و تخصصی اقدام به صدور قرار کارشناسی نماید اما نمی تواند برای یافتن عرف عام، قرار کارشناسی صادر نماید. چرا که عرف عام جنبه تخصصی و حرفه ای ندارد و قاضی نیز خود اهل عرف عام می باشد.
- ۱۱۴- گزینه ۱ صحیح است. مهلت کارشناس برای ارائه نظر کارشناسی، یک مهلت قضایی است یعنی دادگاه میزان آن را تعیین می نماید و کارشناس نیز می تواند استمهال (تقاضای مهلت دوباره) نماید. به استناد م ۲۶۲ ق.آ.د.م.
- ۱۱۵- گزینه ۱ صحیح است. اگر یکی از اصحاب دعوی از تخلف کارشناس متضرر گردد کارشناس مسئول جبران خسارت است. به استناد م ۲۶۷ ق.آ.د.م.
- ۱۱۶- گزینه ۲ صحیح است. کارشناس در مدت کارشناسی نظر خود را به دادگاه تقدیم نمی کند. وصول نظریه او تا قبل از اخطار به کارشناس جدید معتبر است. به استناد م ۲۶۲ ق.آ.د.م. گرچه در ماده ۲۶۲ ق.آ.د.م. از عبارت ((قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر)) سخن گفته شده است اما از آنجا که اخطار به کارشناس جدید بعد از انتخاب او صورت می گیرد و از این رو گزینه اخطار به کارشناس، گزینه انتخاب کارشناس را نیز در بر می گیرد، گزینه ۲ صحیح تر از گزینه ۱ است.
- ۱۱۷- گزینه ۳ صحیح است. طرفین دعوی می توانند تا اقدام کارشناس منتخب دادگاه کارشناس مرضی الطرفین انتخاب نمایند. به استناد م ۲۶۸ ق.آ.د.م.
- ۱۱۸- گزینه ۲ صحیح است. دادگاه باید کارشناس را به قید قرعه و علی الاصول از میان کارشناسان رسمی دادگستری انتخاب نماید. به استناد م ۲۵۸ ق.آ.د.م. دادگاه باید کارشناس را به قید قرعه انتخاب نماید. کارشناس دادگاه باید از میان کارشناسان رسمی دادگستری باشد مگر آنکه در محل کارشناس رسمی دادگستری نباشد که در این صورت خبره محلی جایگزین می گردد.
- ۱۱۹- گزینه ۱ صحیح می باشد. کارشناس در صورت احضار برای اداء توضیحات و عدم حضور کارشناس جلب می گردد. به استناد م ۲۶۳ ق.آ.د.م.
- ۱۲۰- گزینه ۳ صحیح است. اطلاعات حاصل از قرار معاینه محل اماره قضایی است که بر اماره قانونی حاکم است. به استناد م ۲۵۵ ق.آ.د.م. اطلاعات حاصل از قرار معاینه محل، اماره قضایی است. توجه داشته باشید که در صورت تعارض بین اماره قضایی و قانونی، اماره قضایی حاکم است چرا که بیشتر موجب اقناع وجدان قاضی می گردد.
- ۱۲۱- گزینه ۱ صحیح است. اگر خوانده از ادای سوگند بتی امتناع نماید، دادگاه اتیان سوگند را به طرف دعوا رد می کند. به استناد مواد ۲۷۴ و ۲۸۶ ق.آ.د.م.
- ۱۲۲- گزینه ۲ صحیح است. استمهال جهت قبول یا رد سوگند پذیرفته است. به استناد م ۲۸۷ ق.آ.د.م.
- ۱۲۳- گزینه ۴ صحیح است، سوگند تکمیلی فقط در دعاوی مالی کاربرد دارد. به استناد م ۲۷۷ ق.آ.د.م. سوگند تکمیلی فقط در امور مالی کاربرد دارد و در امور غیر مالی کاربرد ندارد.
- ۱۲۴- گزینه ۳ صحیح است. در حد سرقت حق سوگند نیست اما نسبت به رد مال حق سوگند وجود دارد. در حدود شرعی حق سوگند وجود ندارد. نسبت به حد سرقت نیز حق سوگند وجود ندارد. اما نسبت به جنبه حق الناسی سرقت که همان رد مال مسروقه باشد، حق سوگند وجود دارد. (م ۲۸۰ ق.آ.د.م.)
- ۱۲۵- گزینه ۳ صحیح است. اگر دادگاه خارجی به دادگاه ایرانی برای انجام تحقیقات قضایی نیابت دهد، دادگاه ایرانی تحقیقات مربوط را

علی الاصول بنابر ترتیبات قانون ایران انجام می دهد. به استناد م ۲۹۳ ق.آ.د.م دادگاه ایران تحقیقات را طبق قانون ایران انجام می دهد مگر آنکه کشور خارجی ترتیب خاصی معین کرده باشد که در اینصورت و به شرط معامله متقابل و در صورتیکه آن ترتیبات مخالف موازین اسلام و نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد تحقیقات را طبق ترتیب خاص تعیین شده توسط کشور خارجی نیابت دهنده انجام می دهد.

۱۲۶- گزینه ۳ صحیح است. اجراء قرار معاینه محل قابل نیابت دادن است.

به استناد م ۲۹۰ ق.آ.د.م آنچه که قابل نیابت دادن است رسیدگی به دلایل یا اقدامات اجرائی است. صدور قرارهایی مانند قرار کارشناسی تأمین خواسته و به طور کلی صدور آراء قابل نیابت نیستند چرا که رأی از مقوله رسیدگی به دلایل نیست بلکه نوعی اقدام قضایی است.

۱۲۷- گزینه ۱ صحیح است. رأی دادگاه باید ظرف ۷ روز از ختم دادرسی انشاء و اعلام گردد.

به استناد م ۲۹۵ ق.آ.د.م توجه داشته باشید که ختم مذاکرات و ختم دادرسی با یکدیگر تفاوت دارند. ختم مذاکرات مقطعی است که قاضی نیاز به تشکیل جلسه دادرسی دیگری احساس نمی کند ولی ممکن است سایر اقدامات رسیدگی نسبت به پرونده مانند صدور قرار کارشناسی لازم باشد اما ختم دادرسی مقطعی است که هیچگونه اقدام رسیدگی نسبت به پرونده لازم نیست و پرونده آماده صدور رأی است.

۱۲۸- گزینه ۳ صحیح است. اگر دعوی قابل تجزیه باشد و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد قاضی در همان قسمت مکلف به صدور رأی نیست مگر در صورت درخواست خواهان. به استناد م ۲۹۸ ق.آ.د.م

۱۲۹- گزینه ۱ صحیح است. قرار رد دعوی باید پاکنویس گردد. آن دسته از آراء محاکم باید پاکنویس گردد و اصطلاحاً به شکل دادنامه در آید که قاطع است یعنی احکام و قرارهای قاطع دعوی (مانند رد دعوی) باید دادنامه شوند اما سایر قرارها مانند قرارهای اعدادی، قبولی، شبه قاطع و نیاز به پاکنویس شدن ندارند همچنین گزارش اصلاحی نیز نیاز به پاکنویس شدن ندارد.

۱۳۰- گزینه ۳ صحیح است. قرارهای اعدادی علی الاصول به طرفین ابلاغ نمی شوند.

قرارهای اعدادی مانند کارشناسی نیاز به تنظیم به شکل دادنامه ندارند و از آنجا که قابل شکایت نیستند علی الاصول به طرفین ابلاغ نمی گردند.

۱۳۱- گزینه ۲ صحیح است. وخواهی از طرق عدولی شکایت از رأی است و دارای اثر انتقالی است.

وخواهی از طرق عدولی شکایت از رأی است یعنی همان مرجع صادرکننده از رأی خود عدول کرده و دوباره به آن رسیدگی می کند نه آنکه مرجع دیگری رأی او را اصلاح نماید. همچنین دارای اثر انتقالی است. یعنی پرونده با تمام جوانب موضوعی و حکمی اش مورد رسیدگی مجدد قرار می گیرد.

۱۳۲- گزینه ۴ صحیح است. اگر شخصی که هم دارای حق وخواهی و هم دارای حق تجدید نظرخواهی است، در مهلت وخواهی دادخواست تجدید نظرخواهی تقدیم نماید این دادخواست مورد رسیدگی تجدیدنظر قرار می گیرد. زیرا این عمل نوعی اسقاط حق وخواهی است و به دادخواست تقدیمی از این حیث ایرادی وارد نیست.

۱۳۳- گزینه ۲ صحیح است. کدام دسته از آراء به حضوری و غیابی تقسیم می گردند؟ فقط احکام به حضوری و غیابی تقسیم می گردند. قرارهای قاطع از آن رو که همیشه به نفع خوانده اند و از این رو قابل وخواهی نیستند چون وخواهی شکایت خوانده غایب از حکم غیابی است پس قرارهای قاطع به حضوری و غیابی تقسیم نمی گردند. همچنین سایر قرارها، مانند قرارهای اعدادی و شبه قاطع و تأمینی و قبولی از آن رو که قابل شکایت نیستند به حضوری و غیابی تقسیم نمی گردند.

۱۳۴- گزینه ۲ صحیح است. یک حکم غیابی صادر شده است. هم دادنامه و هم اجرائیه به محکوم علیه، ابلاغ قانونی شده است وصول محکوم به توسط محکوم له منوط به اخذ تأمین مناسب از محکوم له است. به استناد تبصره ۲ م ۳۰۶ ق.آ.د.م. در این تبصره اجراء حکم منوط به معرفی ضامن دانسته شده است اجرا حکم به معنی مرحله نهایی اجراء است یعنی زمانی که محکوم له، محکوم به را دریافت می کند. گر چه در عمل محاکم در همان ابتدای تشکیل پرونده اجرائی اقدام به اخذ تأمین می نمایند.

۱۳۵- گزینه ۱ صحیح است. اگر محکوم علیه غایب پس از اجرای حکم غیابی وخواهی نماید و در وخواهی حکم بدوی نقض گردد خواهان ملزم به جبران خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به وخواه می باشد. به استناد م ۳۰۷ ق.آ.د.م

۱۳۶- گزینه ۳ صحیح است. اگر شخصی پس از انقضاء مدت وخواهی و در مرحله ای که رأی به اجرا در آمده است با ادعای عدم اطلاع از مفاد رأی، وخواهی نماید صدور قرار قبول دادخواست وخواهی مانع اجراء حکم است. به استناد تبصره ۱ م ۳۰۶ ق.آ.د.م

۱۳۷- گزینه ۴ صحیح است. در دعوی علیه میت، سوگند بر عهده خواهان است و در صورت امتناع دعوی او ساقط می گردد.

به استناد م ۲۷۸ ق.آ.د.م

- ۱۳۸- گزینه ۲ صحیح است. فرار اتیان سوگند، قراری است اعدادی، غیرقابل شکایت و بدون اعتبار امر مختومه این قرار اعدادی است چرا که پرونده را جهت صدور رأی آماده می کند. مانند دیگر قرارهای اعدادی قابل شکایت نیست و اعتبار امر مختومه نیز ندارد. تنها احکام و قرار سقوط دعوی از اعتبار امر مختومه برخوردارند.
- ۱۳۹- گزینه ۱ صحیح است. رأی دادگاه پس از انشاء لفظی فوراً نوشته می شود.
- به استناد م ۲۹۶ ق.آ.د.م رأی پس از انشاء لفظی نوشته شده و بنا بر م ۲۹۷ ق.آ.د.م ظرف ۵ روز پاکنویس می گردد.
- ۱۴۰- گزینه ۴ صحیح است. مهلت وخواهی از احکام غیابی علی الاصول برای وخواه مقیم ایران ۲۰ روز و برای وخواه مقیم خارج ۲ ماه است. اصطلاح علی الاصول در این گزینه به این علت است که در مواردی طبق م ۳۰۶ ق.آ.د.م بر مهلت های قانونی وخواهی استثنائاتی وارد است.
- ۱۴۱- گزینه ۴ صحیح است. دستور موقت رسیدگی به آن با تشکیل جلسه و دعوت از طرفین به عمل می آید.
- به استناد م ۳۱۴ ق.آ.د.م توجه داشته باشید که دستور موقت ماهیت درخواست دارد اما این گونه نیست که لزوماً همیشه به موجب درخواست به عمل آید بلکه فقط در صورتی به موجب دادخواست به عمل می آید که قبل از دعوی اصلی مطالبه گردد یا آنکه همراه با دادخواست دعوی اصلی مطالبه شود.
- ۱۴۲- گزینه ۳ صحیح است. دستور موقت دعوایی مالی یا غیرمالی محسوب نمی گردد.
- به درخواست دستور موقت عنوان ((دعوی)) اطلاق نمی گردد. چرا که در دستور موقت دعوی و توافقی موجود نیست بلکه دستور موقت در خصوص امور فرعی و تبعی دعوی است. در تبصره ۲ م ۳۲۵ ق.آ.د.م نیز آمده است که صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعوای غیرمالی است. یعنی دستور موقت، دعوی محسوب نمی گردد بلکه صرفاً هزینه آن تابع دعوای غیرمالی است.
- ۱۴۳- گزینه ۲ صحیح است. رسیدگی به درخواست دستور موقت ممکن است در غیر از محل دادگاه صورت گیرد. به استناد م ۳۱۴ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که اجراء دستور موقت منوط به تأیید رئیس حوزه قضایی است، نه رسیدگی به آن. تبصره ۱ م ۳۲۵ ق.آ.د.م
- ۱۴۴- گزینه ۲ صحیح است. صدور دستور موقت، منوط به سپردن تأمین است.
- به استناد م ۳۱۹ ق.آ.د.م. اخذ تأمین جهت صدور دستور موقت الزامی است.
- ۱۴۵- گزینه ۲ صحیح است. تأمین اخذ شده جهت دستور موقت ممکن است نقد یا غیرنقد باشد.
- به استناد م ۳۱۹ ق.آ.د.م. خسارت احتمالی در دستور موقت ممکن است نقد یا غیرنقد باشد بر خلاف تأمین خواسته که تودیع خسارت احتمالی همیشه به صورت نقد است.
- ۱۴۶- گزینه ۲ صحیح است. اگر قبل از اقامه اصل دعوی، درخواست صدور دستور موقت گردد، درخواست کننده باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ صدور دستور موقت، دادخواست دعوی اصلی را تقدیم نماید.
- به استناد م ۳۱۸ ق.آ.د.م
- ۱۴۷- گزینه ۳ صحیح است. دستور موقت قابل تبدیل نیست ولی در صورت سپردن تأمین از سوی خواننده قابل رفع اثر است.
- به استناد م ۳۲۱ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که دستور موقت برخلاف تأمین خواسته قابل تبدیل نیست.
- ۱۴۸- گزینه ۱ صحیح است. اگر دستور موقت صادر و اجرا گردد و خواهان در دعوی محکوم به بی حقی گردد، تأمین خواسته اخذ شده از متقاضی دستور موقت تا یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی به خواننده باقی می ماند.
- به استناد م ۳۲۴ ق.آ.د.م. بدیهی است که در این ماده منظور از ابلاغ رأی، ابلاغ رأی به خواننده است که حق مطالبه خسارت را دارد.
- ۱۴۹- گزینه ۳ صحیح است. در خصوص قابلیت اعتراض به دستور موقت قبول یا رد آن قابل اعتراض نیست.
- به استناد م ۳۲۵ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که هرچند متقاضی دستور موقت می تواند ضمن تجدیدنظرخواهی نسبت به اصل رأی نسبت به دستور موقت نیز اعتراض و درخواست نماید اما در این سوال چون عبارت اعتراض به طور مطلق آمده است که منظور اعتراض به قبول یا رد دستور موقت در همان دادگاه صادرکننده دستور موقت است.
- ۱۵۰- گزینه ۴ صحیح است. در خصوص تجدید نظرخواهی از دستور موقت یا فرجام خواهی از آن به استناد م ۳۲۵ ق.آ.د.م دستور موقت به تبع اصل دعوی قابل تجدید نظر است اما قابل فرجام نیست.
- ۱۵۱- گزینه ۲ صحیح است. قرار رد دادخواست در مواردی قابل درخواست رسیدگی تجدید نظر نیست.

به استناد م ۳۳۲ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که قرار رد دادخواست در صورتی قابل تجدیدنظر است که توسط دادگاه صادر شده باشد، نه توسط مدیر دفتر. توجه داشته باشید که در حقوق ما، قراری به نام قرار عدم اهلیت وجود ندارد گرچه در بند د ماده ۳۳۲ ق.آ.د.م نام آن آمده اما موارد صدور چنین قراری در قانون نیامده است.

۱۵۲- گزینه ۴ صحیح است. احکام مستند به کدام نوع سوگند قابل تجدید نظرخواهی نمی باشند؟ نه سوگند بتی و نه سوگند تکمیلی و نه سوگند استظهاری. به استناد تبصره م ۳۳۱ ق.آ.د.م

۱۵۳- گزینه ۲ صحیح است. اسقاط حق تجدید نظرخواهی قبل از صدور رأی بدوی در صورتی ممکن است که از سوی طرفین دعوی صورت گیرد. به استناد م ۳۳۳ ق.آ.د.م. هم چنین اسقاط حق تجدیدنظر خواهی بایستی حتماً به صورت توافق کتبی باشد.

۱۵۴- گزینه ۴ صحیح است. اگر دادخواست تجدید نظر، به دفتر کل دادگاه تجدید نظر استان تقدیم گردد دادخواست باید به دادگاه بدوی فرستاده شود و تاریخ تقدیم دادخواست به دفتر کل، تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می گردد.

به استناد تبصره ۱ م ۳۳۹ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که در این حالت همان تاریخ تقدیم دادخواست به دفتر کل دادگاه تجدیدنظر استان، تاریخ تجدیدنظرخواهی است.

۱۵۵- گزینه ۲ صحیح است. اگر دادخواست تجدید نظر خواهی به استناد عذر موجه خارج از مهلت تقدیم گردد رئیس دادگاه بدوی به این عذر رسیدگی و اگر وارد نباشد قرار رد دادخواست صادر می نماید. این موارد در دادگاه بدوی رسیدگی شده و اگر وارد نباشد قرار رد دادخواست تجدید نظر در دادگاه بدوی صادر می گردد که این قرار قابل تجدید نظرخواهی است. تبصره ۲ م ۳۳۹ ق.آ.د.م نیز همین مقرر را بیان می دارد.

۱۵۶- گزینه ۴ صحیح است. اگر دادگاه بدوی صادرکننده حکم، حکم صادره را قطعی بداند و با این حال محکوم علیه تجدید نظر خواهی نماید دادگاه تجدید نظر استان قرار عدم استماع دعوی را صادر می نماید.

به استناد تبصره ۳ م ۳۳۹ ق.آ.د.م. ممکن است دادگاه بدوی از رأی خود توصیفی اشتباه به عمل آورده باشد بنابراین این رأی همچنان قابل تجدیدنظر است و در صورت تجدید نظر خواهی پرونده به دادگاه تجدیدنظر فرستاده می شود تا اگر مرجع مزبور، رأی را قابل تجدید نظر نداند، قرار عدم استماع دعوی صادر نماید.

۱۵۷- گزینه ۳ صحیح است. اگر اقامتگاه تجدید نظر خواه در دادخواست تجدید نظر معلوم نباشد، قاضی دادگاه بدوی نسبت به این

دادخواست، قرار رد دادخواست صادر می نماید. به استناد م ۳۴۴ ق.آ.د.م

۱۵۸- گزینه ۱ صحیح است. اگر مشخصات تجدید نظر خوانده در دادخواست تجدید نظر قید نگردد مدیر دفتر بدوی خطاب به تجدید نظر خواه اخطار رفع نقص صادر می کند و به او ۱۰ روز مهلت رفع نقص می دهد. به استناد م ۳۴۵ ق.آ.د.م

۱۵۹- گزینه ۱ صحیح است. اگر تجدید نظر خواه تا قبل از ختم رسیدگی تجدید نظر و در جریان جلسه اول، دادخواست تجدید نظر خواهی خود را مسترد دارد دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می کند. به استناد م ۳۶۳ ق.آ.د.م

۱۶۰- گزینه ۱ صحیح است. اگر وکیلی اقدام به تقدیم دادخواست تجدید نظر بنماید اما وکالت نامه خود را به دادخواست تجدید نظر ضمیمه ننماید و در نتیجه سمت او محرز نباشد مدیر دفتر بدوی، باید خطاب به وکیل اخطار رفع نقص صادر نماید. به استناد م ۳۴۲ و ۳۴۵ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که در این سوال سمت وکیل در مرحله تجدیدنظر محرز نیست اگر سمت وکیل در مرحله بدوی محرز نباشد و اکنون رأی تجدید نظر خواهی شده باشد به استناد قسمت اخیر م ۳۵۰ ق.آ.د.م دادگاه تجدیدنظر، قرار رد دعوی بدوی را صادر می کند.

۱۶۱- گزینه ۱ صحیح است. گزارش گیری از پرونده های ارجاعی به شعب دیوان عالی کشور توسط رییس یا مستشار شعبه مرجع الیه صورت می گیرد. به استناد م ۳۹۲ ق.آ.د.م

۱۶۲- گزینه ۴ صحیح است. تغییر ارجاع پرونده ها در دیوان عالی کشور فقط در موارد تجویز قانون مجاز است. به استناد م ۳۹۱ ق.آ.د.م

۱۶۳- گزینه ۱ صحیح است. حق فرجام تبعی در ایجاد حق و بقاء آن از فرجام اصلی تبعیت می کند.

به استناد م ۴۱۳ ق.آ.د.م این حق در ایجاد تابع فرجام اصلی است و با استناد م ۴۱۵ ق.آ.د.م در بقاء نیز تابع فرجام اصلی است.

۱۶۴- گزینه ۱ صحیح است. اگر رأی دادگاه تجدیدنظر جزئاً علیه هر دو طرف و نیز جزئاً له هر دو طرف باشد و طرفین در مهلت مقرر از آن فرجام خواهی نمایند و سپس یکی از ایشان دادخواست فرجامی خود را مسترد دارد فرجام خواهی دیگری مورد رسیدگی واقع می شود.

- از آنجا که هر دو فرجام خواهی، اصلی بوده اند و در بقاء و زوال از یکدیگر مستقل اند.
- ۱۶۵- گزینه ۳ صحیح است. مهلت فرجام خواهی تبعی ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ دادخواست فرجام اصلی است.
- به استناد م ۴۱۳ ق.آ.د.م مهلت آن همان مهلت پاسخ به فرجام اصلی است. بنابر م ۳۸۵ ق.آ.د.م این مهلت ۲۰ روز است.
- ۱۶۶- گزینه ۳ صحیح است. فرجام تبعی ماهیتاً درخواست است. در م ۴۱۳ ق.آ.د.م صراحتاً از عبارت درخواست رسیدگی فرجامی برای فرجام تبعی سخن گفته شده است.
- ۱۶۷- گزینه ۲ صحیح است. اگر جهت فرجام خواهی تعارض دو حکم باشد، مهلت فرجام ۲۰ روز از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است. به استناد م ۳۹۹ ق.آ.د.م
- ۱۶۸- گزینه ۳ صحیح است. در صورت نقض حکم در دیوان عالی کشور، جهت تجدید رسیدگی در شعبه هم عرض تقدیم دادخواست جدید لازم نیست. به استناد م ۴۰۹ ق.آ.د.م
- ۱۶۹- گزینه ۲ صحیح است. در صورتی که رأی صادره از دادگاه بدوی که در دادگاه تجدیدنظر استان عیناً تأیید شده است، به جهت نقص تحقیقات توسط شعبه دیوان عالی کشور نقض شود، پرونده به شعبه رسیدگی کننده تجدیدنظر فرستاده می شود. به استناد بند الف م ۴۰۱
- ۱۷۰- گزینه ۱ صحیح است. اگر جهت فرجام خواهی تعارض دو رأی با یکدیگر باشد رأی موخر الصدور قطعاً نقض می گردد.
- به استناد م ۳۷۶ ق.آ.د.م. زیرا رأی مؤخر خلاف اعتبار امر مختومه صادر شده است.
- ۱۷۱- گزینه ۲ صحیح است. ابلاغ اوراق احضاریه دیوان عالی کشور به دادگاه بدوی اقامتگاه طرفین فرستاده می شود. به استناد م ۳۹۴ ق.آ.د.م
- ۱۷۲- گزینه ۱ صحیح است. اگر رأی معترض عنه قرار باشد که از دادگاه بدوی صادر و در دادگاه تجدیدنظر تأیید و در دیوان عالی کشور نقض شده است، رسیدگی ماهوی به پرونده در صلاحیت شعبه صادرکننده بدوی است. به استناد بند ب ماده ۴۰۵ ق.آ.د.م
- ۱۷۳- گزینه ۱ صحیح است. تجویز رسیدگی خارج از نوبت به پرونده حقوقی در دیوان عالی کشور با قانون یا رئیس دیوان عالی کشور است. به استناد م ۳۹۰ ق.آ.د.م
- ۱۷۴- گزینه ۲ صحیح است. رسیدگی در دیوان عالی کشور علی الاصول بدون دعوت از طرفین به عمل می آید. به استناد م ۳۹۳ ق.آ.د.م
- ۱۷۵- گزینه ۳ صحیح است. فرجام خواهی اگر محکوم به غیر مالی باشد و محکوم علیه تأمین مناسب دهد، می تواند اثر تعلیقی داشته باشد.
- به استناد بند ب ماده ۳۸۶ ق.آ.د.م. فرجام خواهی علی الاصول اثر تعلیقی ندارد مگر در مورد استثنایی مذکور در بند ب ماده ۳۸۶ ق.آ.د.م
- ۱۷۶- گزینه ۳ صحیح است. در صورت فرجام خواهی از حکمی که محکوم به آن مالی است به تشخیص دادگاه صادرکننده ممکن است از محکوم له تأمین مناسب اخذ گردد. به استناد بند الف م ۳۸۶ ق.آ.د.م
- ۱۷۷- گزینه ۳ صحیح است. برای ضمیمه نمودن رأی فرجام خواسته به دادخواست فرجامی تصویر رأی مزبور باید به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه باشد. به استناد مواد ۳۸۱ و ۳۸۲ ق.آ.د.م
- ۱۷۸- گزینه ۲ صحیح است. اگر مشخصات فرجام خوانده در دادخواست فرجامی قید نگردد مدیر دفتر شعبه صادرکننده رأی فرجام خواسته اخطار رفع نقص صادر می نماید، در صورت عدم رفع نقص، دادگاه قرار رد دادخواست فرجامی صادر می کند. به استناد م ۳۸۳ ق.آ.د.م
- ۱۷۹- گزینه ۱ صحیح است. حکم به رد دعوی قابل فرجام خواهی است.
- قرار رد دعوی و عدم استماع دعوی قابل فرجام خواهی نیست اما حکم به رد دعوی (حکم به بطلان دعوی) قابل فرجام خواهی است. در خصوص قابلیت فرجام خواهی قرار رد و عدم استماع دعوی دکتر عبد الله شمس اعتقاد به قابل فرجام بودن آنها دارند، اما در ق.آ.د.م اشاره ای به قابل فرجام بودن این قرارها نشده است.

۱۸۰- گزینه ۴ صحیح است. کدامیک از موضوعات ذیل اگر از دادگاه تجدیدنظر مورد حکم قرار گیرند، قابل فرجام اند؟

(۱) نث (۲) حبس (۳) تولیت (۴) حجر

به استناد م ۳۶۸ ق.آ.د.م

۱۸۱- گزینه ۴ صحیح است. هیچکدام از دعاوی طاری در اعاده دادرسی راه ندارد. به استناد م ۴۴۱ در اعاده دادرسی و ورود ثالث و جلب ثالث راه ندارد دعوی متقابل نیز در آن مصداق ندارد چرا که اعاده دادرسی دارای اثر انتقالی نیست. ۱۸۲- گزینه ۲ صحیح است. در اعتراض ثالث جلب ثالث و

ورود ثالث راه ندارد. از آنجا که اعتراض ثالث دارای اثر انتقالی نیست جلب ثالث و ورود ثالث در آن راه ندارد زیرا اعتراض ثالث از طرق فوق العاده شکایت از آراء است.

۱۸۳- گزینه ۲ صحیح است. موعدی که ابتدای آن، از تاریخ ابلاغ است روز ابلاغ و اقدام جزء موعد نیستند. به استناد م ۴۴۵ ق.آ.د.م

۱۸۴- گزینه ۲ صحیح است. نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد تجدیدنظر و فرجام مسموع است.

به استناد م ۴۳۸. توجه داشته باشید که این حکم دوباره از جهات دیگر قابل اعاده دادرسی می باشد، اما از همان جهت سابق قابل اعاده دادرسی نیست. به استناد م ۴۴۰ ق.آ.د.م.

۱۸۵- گزینه ۲ صحیح است. اگر جهت اعاده دادرسی حيله و تقلب طرف دعوی باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی از تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به حيله و تقلب است. به استناد م ۴۲۹ ق.آ.د.م.

۱۸۶- گزینه ۳ صحیح است. قبول اعاده دادرسی نسبت به احکام غیرمالی اثر تعلیقی دارد. به استناد بند الف م ۴۳۷ ق.آ.د.م.

۱۸۷- گزینه ۳ صحیح است. اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی امکان پذیر است. به استناد م ۴۲۶ ق.آ.د.م.

۱۸۸- گزینه ۴ صحیح است. اعتراض ثالث ممکن است موجب گردد که با اخذ تأمین مناسب از محکوم علیه اجراء حکم متوقف گردد. به استناد م ۴۲۴ ق.آ.د.م

۱۸۹- گزینه ۱ صحیح است. واخواهی مطلقاً دارای اثر انتقالی است. اثر انتقالی به معنای بررسی مجدد تمام جهات موضوعی و حکمی قضیه است. واخواهی مطلقاً دارای اثر انتقالی است اما اعاده دادرسی و اعتراض ثالث دارای اثر انتقالی مطلق نیستند بلکه اثر انتقالی آنها مقید و محدود است.

۱۹۰- گزینه ۱ صحیح است. مواعدی را که دادگاه تعیین نموده باشد در چه زمانی منقضی خواهند شد در همان تاریخ به استناد م ۴۴۹ ق.آ.د.م.

۱۹۱- گزینه ۳ صحیح است. اعاده دادرسی طاری به موجب درخواست و متعاقباً تقدیم دادخواست به عمل می آید. به استناد م ۴۳۳ و تبصره آن.

۱۹۲- گزینه ۲ صحیح است. در مواردی که دعوی مورد درخواست اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد درخواست اعاده دادرسی به دیوانعالی کشور تقدیم می گردد، تا دیوان آن را به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع دهد. به استناد تبصره م ۴۳۴ ق.آ.د.م توجه داشته باشید که در امور حقوقی بر خلاف امور کیفری، رسیدگی به اعاده دادرسی نیاز به تجویز دیوان عالی کشور ندارد.

۱۹۳- گزینه ۱ صحیح است. اعاده دادرسی نسبت به آراء متعارض در صورتی ممکن است که هر دو حکم و صادره از یک دادگاه باشند.

به استناد بند ۴ م ۴۲۶ ق.آ.د.م

۱۹۴- گزینه ۱ صحیح است. رسیدگی به اعاده دادرسی طاری در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی است.

به استناد م ۴۳۴ ق.آ.د.م

۱۹۵- گزینه ۳ صحیح است. رسیدگی به اعتراض ثالث طاری در صلاحیت دادگاهی است که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است مگر آنکه از دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض ثالث پایین تر باشد. به استناد م ۴۲۱ ق.آ.د.م

۱۹۶- گزینه ۱ صحیح است. اعتراض ثالث اصلی نسبت به احکام و قرارهای قطعی امکان پذیر است. به استناد م ۴۲۰ ق.آ.د.م

۱۹۷- گزینه ۱ صحیح است. اعتراض ثالث طاری باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض باشد.

به استناد م ۴۲۰ ق.آ.د.م

۱۹۸- گزینه ۲ صحیح است. رأی داور فقط قابل اعتراض ثالث است. به استناد م ۴۱۸ ق.آ.د.م و قابل اعاده دادرسی نیست.

۱۹۹- گزینه ۲ صحیح است. آراء صادره از دادگاههای عمومی، تجدیدنظر، دیوان عدالت اداری از آراء ذیل قابل اعتراض ثالث اند.

به استناد م ۴۱۸ ق.آ.د.م و ماده ۲۹ قانون دیوان عدالت اداری. توجه داشته باشید که آراء دیوان عالی کشور قابل اعتراض ثالث نیستند.

۲۰۰- گزینه ۴ صحیح است. اعتراض ثالث محدود به مهلت خاصی نیست.

۲۰۱- گزینه ۴ صحیح است. در صورت سکوت طرفین قرارداد داوری مدت داوری ۳ ماه و به تراضی قابل تمدید است.

به استناد تبصره م ۴۸۴ ق.آ.د.م

۲۰۲- گزینه ۳ صحیح است. اگر دعوی در مرحله فرجامی باشد و طرفین تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند پرونده برای ارجاع به

داوری به دادگاه صادرکننده رأی ارسال می گردد. به استناد م ۴۹۴ ق.آ.د.م

۲۰۳- گزینه ۱ صحیح است. ابطال رأی داور مستلزم درخواست است که نتیجه آن ممکن است حکم به بطلان رأی داور باشد.

- به استناد م ۴۹۰ ق.آ.د.ک که از عبارت درخواست استفاده شده است اما نتیجه این درخواست حکم به بطلان رأی داور است.
- ۲۰۴- گزینه ۲ صحیح است. اگر ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر قانونی تقاضا شود، دادگاه قرار قطعی رد درخواست صادر می کند. به استناد م ۴۹۲ ق.آ.د.م
- ۲۰۵- گزینه ۲ صحیح است. اجراء رأی داور مستلزم درخواست از دادگاه است.
- به استناد م ۴۸۸ ق.آ.د.م این امر مستلزم درخواست است نه دادخواست و اقامه دعوی.
- ۲۰۶- گزینه ۲ صحیح است. داور در صدور رأی باید قوانین ماهوی را رعایت نماید.
- به استناد م ۴۸۲ ق.آ.د.م. منظور از قوانین موجد حق، قوانین ماهوی است.
- ۲۰۷- گزینه ۴ صحیح است. جبران خسارت ناشی از تقصیر داوری در انجام وظایف داوری بر عهده داور است.
- به استناد م ۵۰۱ ق.آ.د.م این ماده جبران هر خسارتی را از هر درجه برعهده داور گذاشته است.
- ۲۰۸- گزینه ۲ صحیح است. نسب قابل ارجاع به داوری نیست. به استناد م ۴۹۶ ق.آ.د.م
- ۲۰۹- گزینه ۱ صحیح است. مهلت محکوم علیه برای اجراء رأی داور ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی است. به استناد م ۴۸۸ ق.آ.د.م
- ۲۱۰- گزینه ۱ صحیح است. صلح و سازش دعوی موضوع داوری توسط داوران منوط است به آنکه ایشان حق صلح داشته باشند و همه ایشان به صلح و سازش تراضی نمایند. به استناد م ۴۸۳ ق.آ.د.م این ماده از صلح نامه ای سخن گفته که به امضاء داوران رسیده باشد بنابراین این اتفاق آراء را لازم دانسته است و اکثریت را کافی ندانسته است.
- ۲۱۱- گزینه ۴ صحیح است. عزل داور منوط به توافق طرفین است.
- به استناد م ۴۷۲ ق.آ.د.م این ماده حتی داور اختصاصی را نیز در بر می گیرد.
- ۲۱۲- گزینه ۳ صحیح است. فوت داور در داوری مقید به شخص، موجب زوال داوری است.
- به استناد م ۴۶۳ بنابر این ماده اگر طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخصی معین داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند رسیدگی کند و بین ایشان توافق نسبت به شخص دیگر حاصل نگردد، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه است. یعنی فوت داور در داوری مقید به شخص خاص موجب زوال داوری است مگر در صورت توافق طرفین نسبت به شخصی دیگر.
- ۲۱۳- گزینه ۲ صحیح است. زوال داوری به موجب تراضی کتبی طرفین به عمل می آید. به استناد م ۴۸۱ ق.آ.د.م
- ۲۱۴- گزینه ۴ صحیح است. اگر شخصی محجور باشد نمی تواند داوری کند. به استناد م ۴۶۶ ق.آ.د.م
- ۲۱۵- گزینه ۲ صحیح است. مهلت رد داور در صورت تعیین داور از سوی دادگاه تا ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ است. به استناد م ۴۷۱ ق.آ.د.م
- ۲۱۶- گزینه ۳ صحیح است. ارجاع دعاوی دولتی به داوری منوط است به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی
- به استناد م ۴۵۷ ق.آ.د.م. علی الاصول اطلاع مجلس کافی است و نیاز به تصویب مجلس نیست مگر آنکه طرف دعوا خارجی باشد یا اینکه قانون موضوع دعوا را مهم تشخیص دهد که در اینصورت تصویب مجلس هم ضروری است.
- ۲۱۷- گزینه ۴ صحیح است. اتباع خارجه از داوری بین ایرانیان و خارجیان ممنوع نیستند. به استناد م ۴۵۶ ق.آ.د.م داوری اتباع خارجه بین ایرانیان و خارجیان علی الاصول مجاز است جز در فرض مذکور در م ۴۵۶ ق.آ.د.م. که آن فرض با تمام شروطش در هیچ یک از گزینه ها نیامده است.
- ۲۱۸- گزینه ۱ صحیح است. داور صلاحیت نسبت به صلاحیت ندارد. به استناد م ۴۶۱ ق.آ.د.م اگر راجع به اصل معامله یا قرارداد داوری بین طرفین اختلاف باشد، دادگاه ابتدا به این اختلاف رسیدگی می کند این عبارت یعنی اینکه داور صلاحیت نسبت به صلاحیت ندارد.
- ۲۱۹- گزینه ۴ صحیح است. به استناد م ۴۷۵ ق.آ.د.م. دخیل شدن شخص ثالث به داوری منوط است به تراضی طرفین دعوی و ثالث. بنابر این جلب ثالث و ورود ثالث به معنای احض کلمه در داوری راه ندارد.
- ۲۲۰- گزینه ۳ صحیح است. رسیدگی به ادعای جعل توسط داور اگر ادعای جعل ساده باشد، مجاز است و داور می تواند برای این منظور اقدام به جلب نظر کارشناس نماید. به استناد م ۴۷۹ و ۴۷۶ ق.آ.د.م. منظور از ادعای جعل ساده، ادعای جعل بدون تعیین جاعل است.
- ۲۲۱- گزینه ۲ صحیح است. اعساراز هزینه دادرسی از تاجر در دعاوی تجاری و مدنی پذیرفته نیست.
- به استناد م ۵۱۲ ق.آ.د.م از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی شود. در این خصوص تفاوتی بین دعاوی تجاری و مدنی وجود ندارد. همچنین از کسبه جزء دادخواست اعسار پذیرفته است، چه در دعاوی مدنی و چه در دعاوی تجاری.

- ۲۲۲- گزینه ۳ صحیح است. اعسار از هزینه دادرسی ماهیتاً دعوی است و نیاز به تقدیم دادخواست دارد.
- در تمام مواد مانند م ۵۱۲ ق.آ.د.م از دادخواست اعسار سخن گفته شده است. اعسار نوعی دعوی می باشد که به طرفیت خواننده دعوی اصلی اقامه می گردد.
- ۲۲۳- گزینه ۳ صحیح است. حکم صادره در خصوص دعوی مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی قابل تجدیدنظرخواهی است.
- به استناد م ۵۰۷ ق.آ.د.م حکم صادره در خصوص اعسار همیشه حضوری و بنابر این غیرقابل واخواهی است. همچنین اعسار در زمره دعاوی قابل فرجام پیش بینی نشده است. بنابر این فقط می تواند قابل تجدیدنظر باشد چرا که اعسار بنابر رأی وحدت رویه، همیشه دعوایی غیرمالی است.
- ۲۲۴- گزینه ۱ صحیح است. دعوی اعسار از هزینه دادرسی باید به طرفیت خواننده دعوی اصلی اقامه گردد. به استناد م ۵۰۷ ق.آ.د.م
- ۲۲۵- گزینه ۳ صحیح است. اعسار از پرداخت محکوم به با شهادت ۴ شاهد قابل اثبات است.
- به استناد م ۲۳ قانون اعسار. اعسار از پرداخت محکوم به با شهادت ۴ شاهد و اعسار از پرداخت هزینه دادرسی با شهادت ۲ شاهد قابل اثبات است. (ماده ۵۰۶ ق.آ.د.م نیز در خصوص اعسار از پرداخت هزینه دادرسی است)
- ۲۲۶- گزینه ۴ صحیح است. اگر در نتیجه اقامه دعوی اعسار از پرداخت محکوم به، حکم به بطلان دعوی صادر گردد طرح مجدد دعوی اعسار از پرداخت محکوم به، ممکن است. یکی از شروط حصول اعتبار امر مختومه وحدت سبب هر دو دعوی است. از آنجاکه در اعسار سبب مدام در حال تجدید شدن است به عبارت دیگر در هر لحظه ممکن است سبب اعسار حادث گردد، وحدت سبب موجود نیست.
- ۲۲۷- گزینه ۲ صحیح است. اگر شخصی برای دفاع از دعوی خود ۲ وکیل معرفی نماید و در نهایت به موجب رأی قطعی محکوم له واقع گردد می تواند ۱ فقره حق الوکاله وکیل در قالب خسارات دادرسی مطالبه نماید.
- به استناد م ۵۱۹ ق.آ.د.م از آنجا که یک وکیل برای دفاع لازم است شخص می تواند حق الوکاله یک وکیل را مطالبه نماید زیرا وجود ۲ وکیل برای دفاع لازم نیست و ضرورت ندارد. بنابر این حق الوکاله وکیل دوم قابل مطالبه نیست.
- ۲۲۸- گزینه ۳ صحیح است. شخصی دارای دو دستگاه خودرو می باشد که یکی از آنها تاکسی و دیگری خودروی شخصی است. اگر این شخص محکوم علیه واقع شود، جهت وصول محکوم به حکم فقط از محل فروش خودروی شخصی قابل اجراء است.
- از آنجا که تاکسی ابزار کار محسوب می گردد به استناد بند "و" م ۵۲۴ ق.آ.د.م قابل فروش نیست. اما در خصوص خودروی شخصی باید گفت که این خودرو علیرغم بند "ب" م ۵۲۴ ق.آ.د.م در شمار مستثنیات دین محسوب نمی گردد چرا که شخص از تاکسی نیز می تواند به عنوان وسیله نقلیه جهت ایاب و ذهاب خود استفاده نماید و نیازی به خودروی شخصی نخواهد داشت.
- ۲۲۹- گزینه ۴ صحیح است. اگر در محل کار مردی، مقداری زیور آلات زنانه یافت شود، جهت اجراء حکمی که علیه این مرد صادر شده است زیور آلات مزبور توقیف می گردد. به استناد مفهوم مخالف م ۶۲ و ۶۳ ق اجراء احکام مدنی.
- ۲۳۰- گزینه ۳ صحیح است. اگر در محل زندگی زوجین، اموالی مانند تلویزیون و دکوراسیون یافت شود، جهت اجراء حکمی که علیه مرد صادر شده است نیمی از اموال مزبور متعلق به مرد قلمداد شده و این اموال نسبت به یک دوم مشاع توقیف می گردد. به استناد م ۶۳ ق. اجراء احکام مدنی.
- ۲۳۱- گزینه ۴ صحیح است. اجراء احکام مدنی صادره از محاکم سایر کشورها منوط است به رفتار متقابل عملی، سیاسی یا قانونگذاری کشور خارجی صادرکننده حکم. به استناد بند ۱ م ۱۶۹ ق اجراء احکام مدنی عبارت عهود دلالت بر رفتار متقابل سیاسی، عبارت قوانین دلالت بر رفتار متقابل قانونگذاری و عبارت معامله متقابل دلالت بر رفتار متقابل عملی دارد.
- ۲۳۲- گزینه ۱ صحیح است. اعتراض ثالث اجرایی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و بدون پرداخت هزینه دادرسی به عمل می آید. به استناد م ۱۴۷ ق اجراء احکام مدنی.
- ۲۳۳- گزینه ۴ صحیح است. تصمیم اتخاذ شده از طرف دادگاه در خصوص اعتراض ثالث اجرایی قابل واخواهی و تجدیدنظرخواهی نیست.
- به استناد م ۱۴۷ ق اجراء احکام مدنی
- ۲۳۴- گزینه ۴ صحیح است. حکم ابطال سند نیاز به صدور اجرائیه ندارد.
- به استناد م ۴ ق اجراء احکام مدنی در مواردی که رأی فقط جنبه اعلامی دارد، اجرائیه جهت اجراء رأی صادر نمی شود.
- ۲۳۵- گزینه ۲ صحیح است. صدور اجرائیه با دادگاه بدوی است. به استناد م ۵ قانون اجراء احکام مدنی
- ۲۳۶- گزینه ۴ صحیح است.

کدام یک از شرایط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نمی باشد؟

۱) دین بودن موضوع دعوا

۲) وجه رایج بودن موضوع دعوا

۳) تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت ۴) صرف امتناع مدیون از پرداخت دین با وجود مطالبه داین

گزینه ۴ صحیح است زیرا: امتناع مدیون از پرداخت دین با وجود مطالبه داین و «در حالیکه مدیون متمکن بوده» شرط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه است. به استناد م ۵۲۲ ق.آ.د.م

۲۳۷- گزینه ۲ صحیح است. اگر دادگاه کیفری در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم اقدام به صدور حکم نماید، جهت اجراء حکم اگر محکوم به، عین معین باشد قواعد مربوطه به مستثنیات دین رعایت نمی گردد در غیر اینصورت باید رعایت شود.

به استناد م ۵۲۷ ق.آ.د.م. توجه داشته باشید که حکمی که دادگاه کیفری در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم صادر می نماید، تابع قواعد آیین دادرسی مدنی است و از این رو باید در خصوص آن قواعد مربوط به مستثنیات دین نیز رعایت گردد. همچنین توجه داشته باشید که تبصره م ۵۲۳ ق.آ.د.م در خصوص ضبط و مصادرة اموال است و با فرض مذکور در این سوال (یعنی حکم ضرر و زیان ناشی از حکم) تفاوت دارد.

۲۳۸- گزینه ۱ صحیح است. دعوی اعسار دعوایی غیرمالی ذاتی است.

دعوی اعسار به استناد رأی وحدت رویه صادره از دیوان عالی کشور دعوی غیرمالی است. در صورتی به این دعوی غیرمالی اعتباری می گفتیم که آثار مستقیم مالی داشته باشد اما در قانون صراحتاً غیرمالی تلقی شده باشد.

۲۳۹- گزینه ۱ صحیح است. خسارات ناشی از تفویض منافع اگر منافع ممکن الحصول باشد قابل مطالبه است و الا خیر.

از جمع تبصره ۲ م ۵۱۵ ق.آ.د.م و بند ۲ م ۹ ق.آ.د.ک این نتیجه حاصل می گردد که خسارات ناشی از تفویض منافع ممکن الحصول قابل مطالبه و خسارات ناشی از تفویض منافع محتمل الحصول قابل مطالبه نیست.

۲۴۰- گزینه ۲ صحیح است. رأی صادره در خصوص اعسار از پرداخت محکوم به قابل تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی می باشد.

به استناد م ۲۶ قانون اعسار و رأی وحدت رویه ش ۶۶۲-۱۳۸۲/۷/۲۹ که آراء صادره در خصوص اعسار از پرداخت محکوم به را قابل استیناف و تمیز دانسته است.